



بررسی ماهیت و آداب موسیقی درمانی در مراسم گواتی

انیسه پارسایی^۱، دکتر سید ابوالقاسم حسینی^۲

۱- دانشجوی دکتری حکمت هنرهای دینی، موسسه آموزش عالی هنر و اندیشه اسلامی

۲- عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی هنر و اندیشه اسلامی

چکیده

مراسم گواتی همانند مراسم زار و پری خوانی، نوعی از مراسم سنتی موسیقی درمانی در ایران است که پیشینه تاریخی نسبتاً طولانی دارد. این مراسم به دو شیوه متفاوت در قسمت سرحد بلوچستان ایران و متفاوت با اجرای آن در مکران بلوچستان ایران و بلوچستان پاکستان کماکان اجر می شود و در طی آن سعی می شود باد یا پری تسلط یافته بر بیمار را با دادن هدایای دلخواه اش، قانع کنند تا بیمار را رها کند. وجه اصلی و اساسی این مراسم به گفته و نظر آقای بهرام صوری زهی، معروف ترین خلیفه اجرا کننده این مراسم در منطقه سرحد بلوچستان، اجرای موسیقی است. در این مقاله ابتدا به تعریف انواع موجودات ماورائی (جن، پری، باد، مشایخ) طبق تعاریف موجود در کتب معتبر پرداخته و پس از آن مراسم گواتی در منطقه سرحد بلوچستان ایران و تاثیر موسیقی بر بیماران درمان شده با این مراسم بررسی و سعی می شود تاثیر موسیقی در قیاس با سایر عوامل موثر در بهبود بیمار و دیگر ارکان مراسم، سنجیده شود. در نهایت آن چه به آن دست می آید این نکته است که اگرچه عواملی مثل بافت فرهنگی یک اجتماع، اثرات فیزیولوژیک موسیقی و ارکان مراسم گواتی و تلقینات ناشی از بافت فرهنگی می توانند در بهبود بیمار موثر باشند، اما چیزی که بیشترین تاثیر را در درمان بیمار دارد موسیقی است که البته این تاثیر بیش از آن که مربوط به ملودی و ساختار آهنگ باشد مربوط به افزایش سرعت و شدت صدا و نوعی شکست ریتم قطعه است.

کلیدواژه: مراسم گواتی - گوات - موسیقی درمانی - موسیقی گواتی - سرحد بلوچستان



مقدمه

مراسم گواتی، یکی از انواع مراسم موسیقی درمانی است که هنوز در ناحیه شرق و جنوب شرقی ایران، به ویژه منطقه سرحد بلوچستان و در بلوچستان پاکستان اجرا می‌شود. طی این مراسم که با اجرای موسیقی همراه است، خلیفه با خواندن اشعار مذهبی و نواختن ساز، باد هوا یا باد پری را به بدن بیمار تحت نفوذ باد فراخوانده، با باد یا "گوات" به گفتگو می‌نشیند. طی این گفتگو خلیفه خواسته باد را دریافته، به همراهان بیمار ابلاغ کرده و سعی در عملی ساختن خواسته باد می‌نماید. پس از اجرای آن خواسته، خلیفه از باد می‌خواهد طی قراردادی، بیمار را برای مدت زمانی مشخص رها کند. پس از آن بیمار بهبود می‌یابد و طی زمان قرارداد در سلامت به سر می‌برد؛ اما پس از پایان مهلت قرارداد، در صورت عدم تجدید آن، بیمار دچار همان حالت‌های مرضی گذشته شده و تنها راه رهایی اش، تجدید پیمان با باد است.

در این میان پاره‌ای موارد سوال برانگیز است که سعی می‌شود در خلال این مقاله به پاسخ آن‌ها دست یابیم و برای نمونه به پاره‌ای از این موارد می‌پردازیم. ریتم کند ابتدای اجرای هر قطعه و سپس تند شدن تدریجی آن به همراه حرکات رقص گونه بیمار سبب ایجاد هیجان و تخلیه فشارهای درونی بیمار شده و این مسئله در بهبود بیمار موثر است. از بین قطعات اجرا شده در مراسم، برخی از قطعات که ریتم متنوع تری داشته و از نغمات شاد تری برخوردارند بیشتر مورد علاقه بیماران قرار می‌گیرند. استفاده از مواد خوشبو کننده و روغنی که بر بدن بیمار مالیده می‌شود جز عوامل بیولوژیکی است که در بهبودی بیمار بی‌تاثیر نیستند. طبقه اجتماعی بیمار، حضور جمعیت حاضر در مراسم که انتظار بهبود بیمار را دارند، بستن قرار داد با باد و در مجموع تاثیر تلقینات نیز بر بهبودی بیمار موثر است. برخی از قطعات نواخته شده در مراسم گواتی در سایر مراسم سنتی بلوچستان نیز نواخته می‌شود و در آن مراسم به شرط عدم بهبود کامل بیمار، همان تاثیری را برجای می‌گذارد که هنگام نواختن در مراسم گواتی دارد. نوازندگان حاضر نباید گواتی باشند و در مراسم دچار حالت وجد نمی‌شوند؛ خلیفه نیز نباید دچار گواتی باشد، وی به صورت اجدادی یک پری در اختیار دارد که در تسلط اش بر باد به وی کمک می‌کند، اما وی هنگام اجرای مراسم علاوه بر نوازندگی، به وجد (حال) می‌رسد.

ترتیب اجرای قطعات در مراسم مهم نیست، اما معمولاً مراسم با قطعات سبک‌تر شروع شده و سپس به قطعات پیچیده‌تر می‌انجامد تا بیمار دچار هیجان ناگهانی نشود. پیچیدگی قطعات در جلب توجه بیمار موثر است.

پیشینه پژوهش:

در زمینه گواتی و موسیقی بلوچستان، تحقیقاتی توسط برخی از محققین صورت گرفته که به شرح زیر است: سلسله مقالات ژان دورینگ محقق فرانسوی که پاره‌ای از آن‌ها به همراه مصاحبه دکتر فاطمی در فصلنامه ماهور (شماره ۲۸ و ۴۴) به چاپ رسیده است. کتاب موسیقی، خلسه و درمان تالیف محمدرضا درویشی که به ذکر آهنگ‌ها و قطعاتی که در مراسم گواتی نواخته می‌شوند به همراه اذکار آن‌ها می‌پردازد. کتاب موسیقی بلوچستان تالیف محمدتقی مسعودیه که



به معرفی موسیقی بلوچستان پرداخته و به صورتی گذرا به مراسم گواتی اشاره کرده است. کتاب زار و باد بلوچ، نوشته علی ریاحی که به توصیف و تعریف باد، شیخ، زار و... می پردازد و در بخشی از کتاب هم به تعریف گوات می پردازد. گذشته از مواردی که ذکر شد، مشخصا در ارتباط با تاثیر موسیقی در مراسم گواتی تحقیقات مستقلی انجام نشده است. البته شایان ذکر است که تمامی این موارد متعلق به محدوده مکران بلوچستان ایران و بلوچستان پاکستان است اما تحقیق پیش رو به بررسی مراسم گواتی و نقش موسیقی در آن اختصاصا در منطقه سرحد بلوچستان ایران می پردازد که در پاره ای از موارد تفاوت هایی آشکار میان شیوه اجرای مراسم و دیگر ارکان آن در منطقه سرحد با سایر مناطق دیده می شود.

تعریف گوات و گواتی

نگاهی گذرا به تاریخ ایران، به خوبی نشان می دهد ایران امروزی آمیخته ای از نژادهایی است که در طول سالیان متمادی وارد ایران شده اند و با ایرانیان پیوند خورده اند. یکی از این نژادها، سیاهان اصیل یا دو رگه ای هستند که گاه به عنوان برده به ایران آمده اند یا مهاجرت کرده اند. همراه با ورود آنان آداب و رسوم و اعتقادات شان وارد ایران شده و رنگ و بوی ایرانی و اسلامی به خود گرفتند به نحوی که با آنچه در آفریقا - منشا سیاهان - موجود بود تفاوت های اساسی یافتند. این دسته از آئین ها و اعتقادات بیشتر از همه بین گروه های اجتماعی بومی ایران راه پیدا کردند (درویشی، ۱۳۸۰: ۳۴۳). اعتقاد به موجودات نامرئی و نیروهای ماوراءالطبیعه و توانایی تسلط آنها بر انسان یکی از برجسته ترین این اعتقادات و تلاش برای رهایی از چنگال آنان نیز جزء مهم ترین آداب و رسومی است که در میان این اقوام دیده می شود. شاید بتوان گفت یکی از دلائل عمده اعتقاد به این موجودات گاه خبیث، شرایط نامساعد اقلیمی و روزمرگی است که گریبان گیر اهالی مناطق جنوبی و جنوب شرقی ایران است که سبب بروز پریشان خاطری و ناهنجاری روانی در آنان می شود.

" به تحقیق می توان گفت که در مدت پنج سالی که با آنان و در میان آنان زیستم حتی یک نفر بلوچ و سیاه نیافتم که لااقل یک بار به دام این موجودات نامرئی نیفتاده باشد و اگر خود توانسته از این بلا برهد حداقل اندک اندوخته و هستی اش را - که گاه از یک رأس بز تجاوز نمی کند - برای رهایی خویش به پای این ارواح، قربانی نکرده باشد " (ریاحی، ۱۳۵۶: ۲). این موجودات ماوراء الطبیعه، دارای گونه و انواع مختلفی هستند و هر کدام طی یک مراسم جدا فراخوانده می شوند. شکل و نوع این مراسم در مناطق مختلف ایران و کشورهای همسایه به شیوه های متفاوتی انجام می گیرد. به عنوان مثال در مناطق جنوبی ایران - خوزستان - این مراسم زار نامیده می شود، یا در بخش هایی از شمال شرقی ایران پری خوانی نام دارد.

گوات

در مناطق جنوبی بلوچستان، این نیروهای مرموز را گوات می نامند که معنای تحت اللفظی آن همان باد است (درویشی، ۱۳۷۸: ۱۹). گوات را هیچ گاه نباید با جن یکی فرض کرد. از آن رو که جن زده را با آیات قرآن درمان می کنند،



اما شخص درگیر با گوات را فقط با موسیقی می توان درمان کرد: "گواتی یک روح کهن ایرانی است که با پری یا حتی فرشته اشتباه گرفته می شود، نوعی فرشته دمدمی و دو گانه" (دورینگ، ۲۰۰۲: ۳۲). به اعتقاد دورینگ، گوات در اصل یک روح کافر است و مسلمان نیست (فاطمی، ۱۳۸۴: ۱۶۶)، اما در سرحد گوات هم می تواند کافر باشد و هم مسلمان. مثلاً شیدی را یک پری کافر می دانند که بیمار را از انجام فرایض دینی اش باز می دارد اما یک پری مسلمان کاری به فرایض دینی گواتی تحت نفوذش ندارد.

البته باید یادآوری کرد که در منطقه سرحد، گوات همان باد است و باد را یک موجود ماورائی می دانند اما برای آن تقسیم بندی قائل نیستند، دیگر این که در منطقه سرحد بلوچستان به جای استفاده از کلمه کب، از واژه حال یا جذب استفاده می کنند و کلمه کب را کلمه ای رایج در پاکستان می دانند که منظور، همان حالت بیخود شدن بیمار بر اثر استماع موسیقی است. در پاکستان، مراسم گواتی گونه های مختلفی دارد که بر حسب شدت بیماری انواع آن متغیر است. به عنوان مثال هون کب گونه ای است که در آن برای درمان و رهایی بیمار، فقط باید خونی ریخته شود تا باد سیر شده و راضی شود؛ اما در ساز کب گوات با شنیدن ساز راضی و خشنود می شود و بیمار را رها می کند؛ یا مراسم پیر پتر مراسمی مشابه مراسم گواتی است که در طی آن برای یک پیر یا شیخ که شخصیتی برجسته بین مردم دارد و صاحب کرامت است، قربانی می کنند و از وی می خواهند بیمار را شفا دهد. این مراسم هم در بلوچستان پاکستان و هم در منطقه مکران بلوچستان ایران اجرا می شود؛ اما در منطقه سرحد انجام این مراسم را جایز ندانسته و انجام آن را به مثابه شریک برای خدا گرفتن می دانند و اعتقاد دارند که قربانی باید فقط به خدا تقدیم شود و انجام آن را شرک خفیه می دانند. کپار کب، ولاگ کب و..... نیز از همین دسته اند. تنها تفاوتی که در منطقه سرحد بین درمان یک بیماری خفیف و یک بیماری شدید وجود دارد، تنوع سازی است. یعنی در صورتی که بیمار شدیداً دچار گوات باشد از سازهای بیشتری در مراسم استفاده می شود (صوری زهی، گفتگوی شخصی).

تعریف گواتی

گواتی یک حالت است و به معنای بیماری است که از یک گوات رنج می برد. همان طور که گفته شد گوات به ذهن و جسم افراد - غالباً تهی دست و فقیر - حلول کرده و آن ها را تسخیر می کند و تعادل روحی و جسمی شان را در هم می ریزد. برای مهار کردن - نه درمان - این بیماری، مراسم خاصی برگزار می شود که متأثر از فرهنگ و آداب و رسوم هر ناحیه، ویژگی خاص خود را دارد (درویشی، ۱۳۷۸: ۲۱). برای مهار باد یا اصطلاحاً زیر کردن آن، مراسمی بر پا می گردد که ممکن است یک یا چند شب به درازا بکشد. پس همان طور که در بالا آمد گواتی عبارت است از مراسمی که در طی آن بادی که بیمار را احاطه کرده است را فراخوانده و از او می خواهند بیمار را رها کند (همان).



ارکان مراسم گواتی

موسیقی

همانطور که پیش تر اشاره شد، گوات یا باد، روح و جسم گواتی را تحت سلطه خویش در می آورد. البته باد، به صورت کامل وارد بدن بیمار نمی شود و همین مسئله است که سبب آزار بیمار می گردد. نقش اصلی خلیفه، بازخوانی باد به جسم بیمار است و این بازخوانی فقط با موسیقی صورت می گیرد. پری علاقه مند به موسیقی است و با شنیدن صدای ساز و آواز به جسم بیمار وارد می شود. مراسم گواتی بدون موسیقی انجام پذیر نیست. هدف و منظور پری همان ساز و موسیقی است و پس از شنیدن موسیقی گواتی را رها می سازد. هرچه تعداد سازهای مورد استفاده بیشتر باشد تاثیر بیشتری بر بیمار دارد. موسیقی اجرا شده در گواتی بر پایه سه ساز سه تار، قیچک و طبلک است. "رکن اصلی مراسم گواتی، موسیقی است" (درویشی، ۱۳۷۸: ۲۱).

مراسم گواتی مراسمی است که عموماً با دو چیز متمایز می شود: وجد و موسیقی. بدین معنا که اگر موسیقی نواخته شد و بیمار به وجد نرسید، پس بیمار گواتی نبوده است. دیگر این که هیچ مراسمی بدون موسیقی وجود ندارد، بدین علت که بدون موسیقی حتی یک گواتی واقعی نیز به وجد نمی رسد، چون ارواح خاص را فقط با موسیقی های خاص می توان سوگند داد. از دید یک بلوچ، خوراک جسم، غذا و خوراک روح، موسیقی و صدای تلاوت قرآن است. رسیدن به حالت وجد و از خود بی خود شدن حالتی است که تنها با گوش سپردن به آوای موسیقی امکان پذیر است، پس در نهایت باید بگویم جزء بنیادین و اساسی مراسم گواتی موسیقی است که با حذف آن مراسم برگزار نخواهد شد. در هنگام اجرای مراسم، مجموعه ای از قطعات معین البته بدون ترتیب خاص، اجرا می شوند که هر بیمار بنا بر نوع باد نسبت به یک یا دو ملودی خاص واکنش نشان می دهد که این مسئله بیان گر واکنش پری نسبت به آن آهنگ خاص است و البته همان طور که در ادامه خواهد آمد، معمولاً دسته ای از آهنگ ها هستند که بیش تر مورد توجه بیماران قرار می گیرند (خلیفه صوری زهی، گفتگوی شخصی). قطعاتی که در مراسم گواتی نواخته می شوند ویژه این مراسم نبوده و در مراسم دیگر مثل عروسی، ختنه سوران، آیین های رسمی و.... نیز نواخته می شوند که در جای خود به آنها خواهیم پرداخت (همان).

قربانی

عنصر و رکن اساسی بعدی در مراسم گواتی، قربانی کردن و ریختن خون یک قربانی، برای جلب رضایت گوات است. از نظر خلیفه صوری زهی، "سه چیز است که بادپری به آن ها علاقه فراوانی دارد و علت حلول اش در بدن بیمار نیز، همان سه چیز است: موسیقی، قربانی و عطر. به سبب خوشآیند پری از موسیقی و عطر است که پری در مراسم حضور می یابد؛ اما پری خون می خورد، هنگامی که خون قربانی ریخته می شود پری رو به آسمان کرده و به خدا می گوید که بندگان مرا راضی



کردند، تو نیز به نعمت‌هایی که به آنان عطا کرده‌ای بیفزای. دعای پری بیش تر مستجاب می‌شود. پس علت اصلی خون ریختن یا همان قربانی کردن، جلب محبت پری و سپس درخواست برکت کردن پری از خداوند برای اهدا کنندگان قربانی است." نوع قربانی نیز بر حسب میزان استطاعت بیمار تعیین می‌شود و معمولاً شامل گوسفند، بز، گاو، شتر و... است. انجام مراسم قربانی، پس از خاتمه مراسم یک یا چند روزه صورت می‌گیرد؛ سپس گوشت قربانی را پخته و میان افراد بی بضاعت تقسیم می‌کنند خلیفه صوری زهی، گفتگوی شخصی).

بیمار

یک گوات خود را به روش‌های گوناگون آشکار می‌کند، قربانی‌اش را ضعیف، نا امید و عصبی می‌کند. دوره درمان گواتی، حدود چهل روز است و پس از چهل روز، بیمار به حالت طبیعی قبل از بیماری باز می‌گردد. از نشانه‌های تسخیرشدگی توسط گوات می‌توان به این موارد اشاره کرد: بیمار دچار ترس و اضطراب است، حالتی عصبی دارد و پرخاش گر می‌شود، از لحاظ جسمانی بسیار ضعیف است، حالت چشم‌ها تغییر کرده و قرمز می‌شود و دودو می‌زند، بدن‌اش می‌لرزد، به خوبی قادر به صحبت کردن نیست، اشتهای خود را نسبت به غذا از دست می‌دهد، حالت غش و بیهوشی به بیمار دست می‌دهد، دچار بدبینی و توهم می‌شود، از همه می‌ترسد و اطرافیانش را دشمن خویش می‌داند، خواب‌های پریشان و آشفته می‌بیند که موضوع اغلب این خواب‌ها قبرستان، مردگان، غرق شدن در دریا، بیابان، حیواناتی مانند گربه و موجوداتی موهوم و ترسناک‌اند که در عالم خواب با بیمار صحبت کرده و او را مورد آزار قرار می‌دهند و از وی درخواست‌هایی فرای توان وی می‌کنند و تا هنگامی که بیمار آن موارد را مهیا نکند باد از جسم وی خارج نمی‌شود و گاهی حتی وی را تهدید می‌کنند که اقوام نزدیک‌اش را خواهد کشت. گاهی این آزارها صورتی دیگر یافته به صورت آثار سوختگی در قسمت‌هایی از بدن آشکار می‌شود. سرگیجه، تاری دید، سنگینی گوش، فلج شدن دست و پا و گریستن بی اختیار از دیگر علائم گواتی است خلیفه صوری زهی، گفتگوی شخصی).

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که گوات فقط به سراغ مسلمانان می‌رود و در جسم آنان حلول می‌کند. یعنی در بین مسلمانان از هر نژاد و قومی می‌تواند نفوذ کند و ارتباطی به بلوغ بودن یا نبودن بیمار ندارد؛ از طرفی زنان بیش از مردان به باد دچار می‌شوند. شدت بیماری میان جوانان بیش از افراد سالخورده است و درمان آنان به زمان بیش تر و نواختن تعداد سازهای فزون تر در مراسم نیاز دارد و زحمت افزون تری برای خلیفه و نوازندگان دارد. بیمارانی که به بلوغ نرسیده‌اند به ویژه دختران، تا پیش از ازدواج و بلوغ جسمی درمان قطعی نمی‌شوند و درمان شان موقتی است. به این ترتیب که خلیفه به بیمار نابالغ تعویذی می‌دهد تا برای مدتی کوتاه در امان باشد، این تعویذ هر چند ماه یک بار باید تجدید شود و درمان قطعی موکول می‌شود به پس از به بلوغ رسیدن بیمار. در پاسخ به این سوال که چرا زنان بیشتر دچار گوات می‌شوند خلیفه صوری زهی



می گوید:

" زن همیشه ضعیف است، به این فکر می کند که چرا وضع زندگی اش مساعد نیست؛ چرا طلا ندارد، چرا لباس ندارد. به این خاطر ضعیف تر شده و گوات به او اثر می کند." به نقل از دورینگ در یک جامعه بلوچی، زن ها بیشتر مشکل روان شناختی دارند، زیاد با ناکامی و سرخوردگی دست به گریبان اند، بنابراین بیشتر دچار گوات می شوند (فاطمی، ۱۳۸۴: ۱۶۶).

خلیفه

مهتره کلیدی اجرای مراسم، خلیفه است. از آن رو که خلیفه رابط بین بیمار و باد پری است. جنسیت در خلیفه بودن مهم نیست اما آنچه حائز اهمیت است این است که خلیفه پشت در پشت خلیفه است. یعنی خلیفگی نسل به نسل منتقل می شود. خلیفه نمی تواند و نباید گواتی باشد، چرا که در این صورت گوات تحت فرمان وی در نخواهد آمد؛ اما هر خلیفه یک پری در اختیار دارد که تحت فرمان اوست و به خواسته ها و فرامین خلیفه گوش فرا می دهد. این پری نیز مثل نسب خلیفگی از نسلی به نسل دیگر تعلق می گیرد. خلیفه بودن یک نعمت خدادادی است. البته دورینگ در مصاحبه ای که با دکتر فاطمی انجام داده است معتقد است فقط در مواردی خیلی نادر خلیفه می تواند گواتی باشد و خلیفه صوری زهی را نام می برد (دورینگ، ۱۳۸۴: ۱۶۶). اما خود خلیفه صوری شدیداً معتقد است که خلیفه نمی تواند گواتی باشد و فقط یک پری تحت فرمان دارد.

سایر موارد

لباس نو، عطر یا سوزاندنی های خوشبو و حنا، جزء سایر عناصری است که برای اجرای مراسم گواتی لازم است. اعتقاد بر این است که بیمار برای حضور در مراسم، باید از هر آلودگی مبری شود. غیر از موارد گفته شده در بالا، حین انجام مراسم ماده ای به نام سوچکی را می سوزانند. سوچکی یک ماده گیاهی است که بوی خوشی دارد، علت استفاده از سوچکی، خوشبو کردن فضایی است که مراسم در آن انجام می شود و سبب آرامش بیمار و خوشایند پری است. این ماده از پاکستان وارد ایران می شود.

روغن زهری یا روغن مند نیز جزء ملزومات اجرای مراسم است. در انتهای مراسم تاوه ای را روی آتش قرار می دهند تا حرارت ببیند. سپس استاد یا خلیفه دستش را به روغن آغشته کرده و با تابه تماس می دهد تا گرمای تابه به روغن منتقل شود. پس از آن، گردن بیمار را به این روغن آغشته می کند. علت استفاده از روغن و مالیدن آن به بدن بیمار این است که بیمار در حین انجام مراسم و رقصیدن حرکات سریعی انجام می دهد، استفاده از این روغن سبب می شود که عضلات گردنش دچار انقباض نگردد.

پس از انجام مراسم، یک سکه نقره و یک بند هفت رنگ، مشک و زعفران را در یک تکه پلاستیک می پیچند و تعویذ

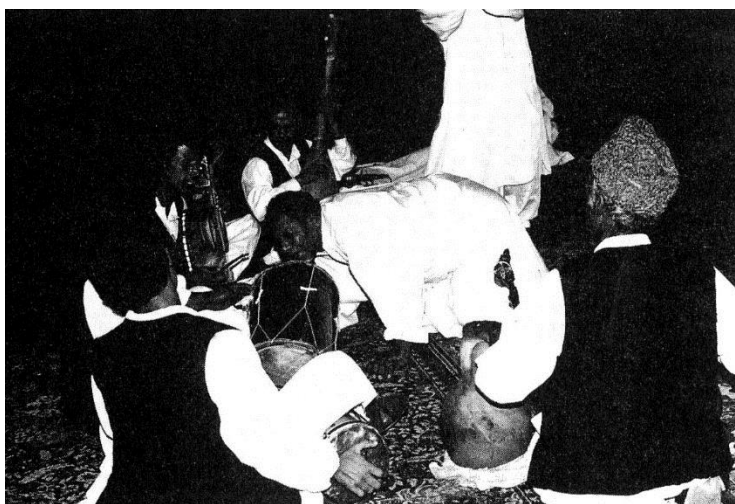


درست می کنند. از این تعویض برای بستن قرارداد بین بیمار و گوات استفاده می شود. به این ترتیب که پس از مشخص شدن دوره قرارداد با گوات، که دوره ای سه ساله یا پنج ساله است، این بند هفت رنگ و زیور نقره ای را به دست راست بیمار می بندد تا همه جا آن را با خود داشته باشد خلیفه صوری زهی، گفتگوی شخصی).

مسئله بعدی نوازندگان گروه گواتی هستند. نوازندگان نیز همانند خلیفه نباید دچار گواتی باشند، از آن رو که هنگام اجرای قطعات تحت تاثیر قرار می گیرند و از خود بی خود می شوند. خلیفه صوری زهی اعتقاد دارد اگر نوازنده گواتی باشد در طی اجرای مراسم خود به خود درمان می شود.

شیوه اجرای مراسم گواتی

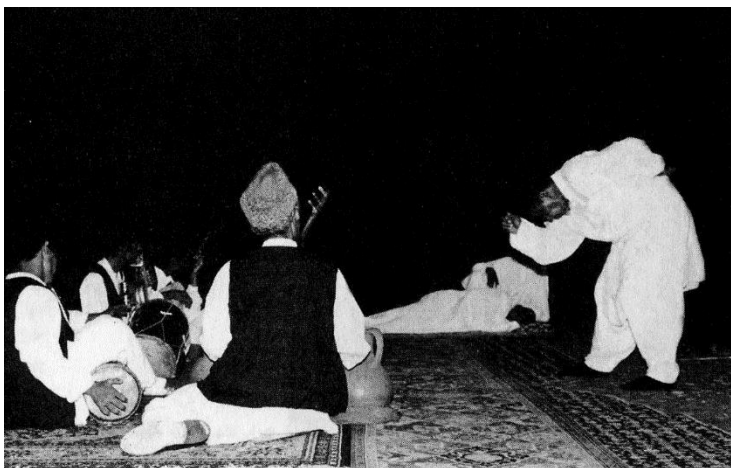
مراسم بنا به وضعیت و عکس العمل بیمار به موسیقی، در سه یا پنج شب متوالی انجام می شود. هیچ مریضی در همان شب اول درمان نمی شود و برای درمان حداقل سه شب نیاز است. خلیفه صوری زهی اعتقاد دارد همان طور که وقتی غصه داری و درد دل می کنی آرام آرام غصه ات می رود یک گواتی نیز، باد، آرام رهایش می کند و موسیقی آرام آرام در همه جسمش نفوذ می کند. پیش از شروع مراسم بیمار البسه تمیز پوشیده، خود را معطر می کند. خلیفه و نوازندگان دور بیمار می نشینند. در مواردی که بیمار زن باشد بین خلیفه و بیمار پرده ای حائل می شود و خلیفه و گروهش پشت پرده می نشینند. ظرف آبی را به خلیفه می دهند که در آن آیاتی از قرآن را خوانده و مریض آن را می نوشد. پس از آن، بخور یا همان سوچکی را دود می کنند تا فضای مجلس عطر آگین شود. سپس نوازندگان شروع به نواختن می کنند و همزمان با خلیفه، به هم خوانی قطعات اجرایی می پردازند.



خلیفه و بیمار و گروه نوازندگان

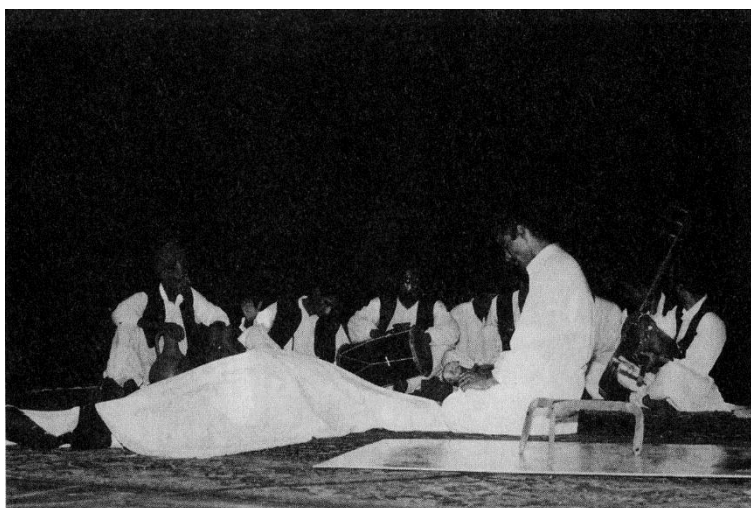


بیمار روی زمین دراز کشیده است و به موسیقی گوش می دهد. پس از گذشت لحظاتی که بسته به بیمار و نوع موسیقی متفاوت است، یکی از قطعات اجرا شده، مورد پسند پری قرار گرفته و بیمار به آرامی همراه با حرکاتی مارگونه از زمین بلند می شود و شروع به حرکت و تکان خوردن می کند. به این حالت جذب شدن یا حال می گویند.



شروع وجد بیمار

نوازندگان همچنان به نواختن ادامه می دهند تا بیمار از خود بی خود شود. همراه بیمار، خلیفه نیز به وجد رسیده و از خود بی خود می شود (البته از نوعی متفاوت با بیمار). گاهی رسیدن به این مرحله، چندین شب به طول می انجامد.



پایان مراسم و بیهوش شدن بیمار

9th International Conference on Language, Literature History and Civilization

March 14, 2023 Tbilisi - Georgia

CINLU Avicenna International Community College LLC



مالیدن روغن بر بدن بیمار

در انتهای مراسم، تاوه‌ای را روی آتش قرار می‌دهند تا داغ شود، سپس خلیفه دستش را به روغن زهری آغشته کرده به تاوه داغ می‌زند تا روغن گرم شود. سپس روغن را به گردن بیمار می‌مالد، در صورتی که بیمار زن باشد این کار توسط خود بیمار صورت می‌گیرد. سپس زیور نقره و بند هفت رنگ را به عنوان تعویذ به بیمار می‌بندند. پس از پایان مراسم نیز گوشت قربانی، که بر حسب استطاعت بیمار تهیه شده است، بین افراد تهی دست تقسیم می‌شود. این نکته حائز اهمیت است که شیوه اجرای مراسم در منطقه سرحد متفاوت با سایر مناطق بلوچستان ایران (مگران) و بلوچستان پاکستان است خلیفه صوری زهی، گفتگوی شخصی).

آهنگ شناسی مراسم گواتی

همان گونه که اشاره شد، ملودی هایی که در مراسم اجرا می‌شوند شامل ۲۸ قطعه است اما مشهورترین و کاربردی ترین آن ها به این ترتیب است: ساز قلندری، ساز الله هو، ذکر گو یا الله، الله من پکیرم، یا رسول الله، سیمرخ. البته اسامی ذکر شده قطعاتی هستند که اجرای آن ها در مراسم رایج تر است و ممکن است در صورتی که بیمار اعلام کند آهنگ های دیگری که مورد نظر بیمار است نیز در مراسم اجرا شود. باید به این نکته توجه کرد که شرط اصلی اجرای یک قطعه در مراسم، سلیقه بیمار یا به تعبیری بهتر میل گواتی است که در بیمار حلول کرده است و نیز نباید فراموش کنیم که هدف گوات، همان موسیقی و ساز است (همان).



نکته ای که در تمامی ملودی های اجرا شده قابل اهمیت است این است که ترجیح بندها در بسیاری موارد فقط از یک مصرع تشکیل شده و تکرار می شوند. از این قطعات می توان به شی داوود، عیسی به تورات موسی به انجیل و اشاره کرد؛ همچنین تشخیص ساده یا ترکیبی بودن وزن قطعات به راحتی ممکن نیست، از آن رو که در طول اجرای یک قطعه گاهی یک وزن ساده ترکیبی اجرا شده و بالعکس. گاهی نیز برخی از میزان ها ضدضرب اجرا شده و از سنکوپ نیز به تعدد استفاده می شود. شاید دلیل این امر این است که نوازنده می خواهد با توجه به اجرای مکرر یک آهنگ، از یکنواخت بودن آن بکاهد و بر جذابیت آن بیفزاید. در ادامه، آهنگ هایی که بیشتر رایج اند معرفی می شوند. متن اشعار و اسامی برگرفته از کتاب "موسیقی بلوچستان" نوشته محمد تقی مسعودیه است که در باب موسیقی بلوچستان به صورت تخصصی پژوهش هایی انجام داده است.

ساز قلندری

این قطعه به همراه مست قلندر در مدح شهباز قلندر اجرا می شود و یک قطعه سه ضربی است که از بقیه ملودی ها طولانی تر است. به گفته خلیفه، این آهنگ هفت ریتم متفاوت دارد که البته در گذشته یکی بوده و توسط ایشان به هفت ریتم مختلف تبدیل شده است؛ علت ایجاد این تنوع این است که از میان این ریتم های گوناگون، بالاخره یکی مورد پسند بیمار قرار گیرد. در ابتدا، خلیفه به آرامی شعری در مدح خداوند به همراه نواختن قیچک می خواند. شاید دلیل این کار آشنا کردن بیمار با حال و هوای ملودی و فرو بردن تدریجی وی به حالت وجد است. پس از لحظاتی سایر سازها شروع به همنازی می کنند، در حالیکه تنها کماکان پایین است. دیگر حضار نیز همراه خلیفه و در جواب، شعر مست قلندر را می خوانند. ملودی همان طور که انتظار می رود یکنواخت و شعر نیز تکرار شونده است و جمله "مست قلندر" تکرار می شود. ریتم و ملودی نیز یکنواخت و تکراری است. سپس قطعه شهباز قلندر آغاز می شود، پس از گذشت لحظاتی تنها به صورت چشمگیری افزایش می یابد، با همان تمپو تقریباً تا پایان قطعه ادامه دارد و در پایان با همان سرعت و بدون کاهش تمپو پایان می گیرد. می توان گفت قطعه به ۹ بخش کلی تقسیم می شود که به ترتیب تکرار می شوند. سرعت قطعه به مدتی طولانی ثابت است و از ابتدای بخش هشتم ناگه افزایش می یابد و ملودی با همان سرعت بالا پایان می گیرد. در بخش های پایانی، برای زمانی نسبتاً طولانی، شعر حذف شده و فقط صدای ساز شنیده می شود.

شاید علت اصلی این همه تکرار در ریتم و شعر، متمرکز کردن بیمار و هدایت بهتر وی برای ورود به وجد باشد؛ از آن رو که اگر ملودی یا تمپو مدام تغییر کند، بیمار توانایی متمرکز شدن را ندارد؛ یک ریتم تکراری برای بیماری که در حال رقص است، سبب تمرکز بیشتر می شود.

همان گونه که از نام مست قلندر برمی آید، دور از ذهن نیست که وجود شعر، با توجه به معنایی که دارد، به صورتی پیش فرض بیمار را برای ورود به حالت مستی و از خودبیخودی مهیا می کند و همان کلمات تکراری مست قلندر و شهباز قلندر



در تلقین به بیمار بی تاثیر نیستند. علت حذف شعر در قطعات پایانی، شاید این است که خلیفه می خواهد مطمئن شود بیمار کاملاً به وجد رسیده و برای ادامه آن، نیازی به شعر و کلمات نیست و موسیقی به تنهایی وی را در حالتی که هست نگه می دارد، نیز شاید علت افزایش شدید و ناگهانی تمپو در پایان قطعه، این است که خلیفه می خواهد فشاری مضاعف و ناگهانی به بیمار وارد کرده و به قولی بیمار را از مرحله شروع مستی، ناگهان به اوج برساند.

"الله من پکیرم"

محتوای شعر شامل اظهار عجز و ناتوانی بندگان در برابر قدرت خداوند و طلب یاری از اوست. این ملودی یک قطعه دو ضربی نسبتاً کوتاه است. تمپوی آرامی دارد که در طول اجرا ثابت می ماند، یک بخش بیش تر ندارد و تنها شامل یک نقطه اوج است. در هنگام اجرای ملودی، نوازندگان چند مرتبه به نقطه اوج رفته و دوباره فرود می آیند و سرانجام قطعه را به پایان می برند.

ذکر "گو یا الله"

باز هم شعر در ذکر و ثنای خداست. در ضمن اشعار اشاره ای هم به شهباز قلندر و اهمیت شخصیت معنوی اش می شود و از وی مدد می خواهند. این قطعه ریتم چهار ضربی دارد، مدت زمان اجرای آن کوتاه است و ریتم ثابت و یکنواختی دارد که در انتهای قطعه به تدریج تند شده، بندهای آخر آن تکرار شده و با سرعتی بالا تا انتهای قطعه ادامه می یابد.

ساز الله هو

این قطعه ریتم چهار ضربی دارد و ملودی متنوعی ندارد. متن شعر آن نیز شامل اقرار به یگانگی خداوند است. تمپوی بالایی دارد و مثل سایر قطعات نام برده شده ریتم در اواخر اجرا سریع تر شده و کلمه الله مدام تکرار می شود.

یا رسول الله

این قطعه چهار ضربی است و از ابتدا تا انتها ریتم آرام و یکنواختی دارد. متن شعر حاوی ثنای حضرت محمد (ص) و ذکر مناقب اوست. ملودی نیز تنها قطعه ای است که تندای ثابتی دارد. می توان گفت اصلی ترین قطعه ای که در گواتی نواخته می شود، این قطعه است و طولانی ترین ملودی مراسم است. به گفته خلیفه صوری زهی، قطعه سیمرغ شامل سیزده ریتم مختلف است که هر کدام برای خود افسانه و داستانی مجزا دارد. یکی از این داستان ها، ماجرای زنی است که فرزندش در دست اژدها اسیر است، از حضرت علی (ع) کمک می خواهد و حضرت علی برای نجات فرزندش سیمرغ را می فرستد. این ملودی شعر ندارد و فقط در بخش هایی، خلیفه برای آنکه شور بیشتری به مراسم بدهد، آواهایی مثل "حیدر" یا "هو" را به زبان می آورد. ملودی دارای چند نقطه اوج و فرود است و فیگورهای تکرار شونده متعددی در آن شنیده می شود. در میان این نقاط اوج و فرود متعدد، اشاره ای به فیگور آغازین شده و دوباره قطعه را ادامه می دهند. افزایش تدریجی سرعت در این قطعه بسیار مشهود است. طبق گفته خلیفه، سیمرغ هم پرنده است و هم یک موجود ماورائی. از نظر وی، سیمرغ هم مانند پری یک فرشته است.



اما ژان دورینگ تعبیری متفاوت از سیمرخ دارد. از نظر او سیمرخ به واسطه‌ی نقش افسانه‌ای اش با مراسم گوآتی پیوند می‌یابد، چرا که این پرنده در افسانه‌ها سه جنبه‌ی مشخص دارد: درمانگری- چاره‌گری، تشریف و موسیقی. سیمرخ بر روی درختی بر کوه قاف منزل دارد که میوه‌ی آن درمان دردهاست. او زخم‌های رستم در نبردش با اسفندیار را درمان می‌کند. سیمرخ چاره‌گر نیز هست (به زال توصیه می‌کند که برای زایاندن رستم پهلوی رودابه را بشکافد؛ رستم را از نقطه ضعف اسفندیار آگاه می‌کند و تیر گرزهرآلودی به او می‌دهد تا آن را به چشم اسفندیار بزند). سیمرخ با «تشریف» نیز ارتباط دارد، چراکه هر کس از میوه‌های درخت او بخورد خود طیب می‌شود، یعنی به جرگه‌ی پزشکان مشرف می‌شود. این پرنده با موسیقی نیز مرتبط است، زیرا در متون قدیمی گفته شده است که صدای او منشاء همه‌ی اصوات موسیقی است. به این ترتیب، سیمرخ با مراسم گوآتی ارتباط نزدیکی می‌یابد. در این مراسم هم موسیقی اجرا می‌شود و خود قطعه‌ی «سیمرخ» از آنجا که مدلی است که از روی آن بی‌نهایت می‌توان بداهه‌نوازی کرد با اسطوره‌ی صدای سیمرخ همچون منشاء همه‌ی اصوات مرتبط می‌شود. گذشته از آن، مراسم گوآتی هم برای درمانگری- چاره‌گری است و نیز بیمار وقتی درمان می‌شود خود به جرگه‌ی اهل هوا مشرف می‌شود.

نکته اساسی که باید در مورد همه این قطعات به خاطر داشت این است که حال و هوای تمامی ملودی‌ها یکی است و فقط در مواردی ریتم تغییر می‌کند، به نحوی که به آسانی می‌توان آن‌ها را به هم متصل نموده و حتی بدون هیچ فاصله‌ای پشت سر هم نواخت، بدون اینکه شنونده متوجه تغییری شود. این مسئله سبب می‌شود اگر بیمار به وجد رسیده، تغییر ملودی، خللی در وجد او ایجاد نکند.

به درستی نمی‌توان ترتیب خاصی برای اجرای قطعات مراسم مشخص کرد. ترتیب اجرای قطعات در مراسم مهم نیست، اما معمولاً مراسم با قطعات سبک‌تر شروع شده و سپس به قطعات پیچیده‌تر می‌انجامد تا بیمار دچار هیجان ناگهانی نشود. پیچیدگی قطعات در جلب توجه بیمار موثر است.

از نظر خلیفه صوری زهی، مراسم به طور معمول با قطعه «الله من پکیرم» آغاز می‌شود و اگر این ملودی مورد پسند بیمار نبود، «الله هو» و بعد از آن «مست قلندر» اجرا می‌شود. البته هیچ اجباری در به ترتیب نواختن این قطعات نیست و به هم خوردن این روال، هیچ اثری در کیفیت مراسم ندارد؛ حتی گاهی همان‌گونه که پیش‌تر گفتیم، بیمار ترتیب اجرای قطعات را مشخص می‌کند؛ به شرط آنکه بیمار قدیمی باشد. اما در مورد بیمارانی که برای بار اول مراجعه می‌کنند در مورد قطعات، نظری از بیمار نمی‌خواهند. در مجموع می‌توان اینگونه نظر داد که دسته‌ای از آهنگ‌ها که معمولاً در نعت و ثنای یک شخصیت مذهبی است در ابتدای مراسم نواخته می‌شوند و به این ترتیب، خلیفه از آن شخصیت برای درمان بیمارانش یاری می‌جوید، در مرحله بعد آهنگ‌هایی نواخته می‌شوند که مثل یک کاتالیزور عمل کرده و بیمار را سریع‌تر به مرحله وجد می‌رسانند که سیمرخ از این دسته است. بعد از رسیدن بیمار به وجد، گروهی از قطعات هستند که بیمار را در آن مرحله تثبیت



می کنند و کمک می کنند تا وی در مرحله وجد باقی بماند. در نهایت خلیفه، تشخیص می دهد بیمار با چه آهنگی به وجد رسیده و کدام آهنگ وی را در وجد نگاه می دارد.

قطعاتی که در مراسم گواتی نواخته می شوند، مختص این مراسم نیستند و برای اجرای آن در سایر مراسم آیینی - سنتی، تعصب خاصی وجود ندارد. از آن رو که این ملودی ها همگی برای بلوچ دارای ارزش و احترام خاصی است و در هر مراسمی که برایش ارزشمند باشد، این آهنگ ها اجرا می شوند. مثلاً قطعه "سیمرغ"، در مراسم عروسی طرفداران زیادی دارد، یا "مست قلندر" جزء قطعاتی است که در اکثر مراسم آیینی نواخته می شود.

در میان افراد مصاحبه شونده، زنی ۲۵ ساله به نام مریم بود که بارها در مراسم گواتی حضور پیدا کرده اما کاملاً درمان نشده بود. وی در مورد تأثیری که شنیدن موسیقی گواتی در سایر مراسم بر وی می گذارد چنین می گفت: " اگر در یک مراسم جشن و عروسی باشم و آهنگ های گواتی را اجرا کنند، حتماً باید برقصم و اگر نرقصم، دیوانه می شوم، می خواهم فریاد بکشم و لباس هایم را پاره کنم یا شیشه ها را بشکنم. حتماً وقتی این آهنگ ها را می شنوم باید برقصم."

وجد

هدف اصلی در مراسم گواتی، رسیدن بیمار به وجد در اثر استماع موسیقی است؛ اما وجد چه حالتی است و چه هنگام می گویند یک بیمار به وجد رسیده است؟ شاید بیان این مسئله که حین مراسم و با شنیدن موسیقی چه حالتی بر بیمار عارض می شود به درستی مقدور نباشد، اما طبق ظواهر امر و مشاهدات و اصطلاحات مورد استفاده برای بیان این حالات، می توان به تعریفی نسبی رسید. اصطلاحاتی مثل پر شدن، مستی، حال، مدهوش و... از گونه مواردی هستند که در بلوچستان برای نشان دادن احساس یک بیمار به وجد رسیده در حین مراسم درمانی استفاده می شوند. در میان فارسی زبانان نیز لغاتی مثل خلسه و وجد رایج است. در اتنوموزیکولوژی نیز، عباراتی مانند *trance, rapture, extasy* در زبان انگلیسی و *trance, extase* در زبان فرانسه برای شرح این حالات استفاده می شود. برای روشن شدن بهتر مطلب و انتخاب لغتی مناسب بهتر است که معنی تحت اللفظی هر کدام از این لغات را دانسته و مناسب ترین را انتخاب کنیم. در لغت نامه دهخدا، در تشریح معنی واژه های وجد، پر شدن و خلسه چنین آمده است:

وجد کردن: (اصطلاح صوفیه) حرکت کردن از روی مستی و شوق و این اصطلاح اهل سماع است. به شوق آمدن و آشفته گشتن (دهخدا، ۱۳۵۵، ۳۳۵). حالت ذوق و شوق که صوفیان سماع پسند را می شود (غیاث اللغات: ۵۱۲: ۱۲۴۶). **پرشدن:** مالا مال شدن و لبریز گشتن کیله یا جام. کنایه از عمر به آخر رسیدن... مملو گشتن. امتلاء (دهخدا؛ ۷۰۸: ۱۳۵۵). **خلسه:** یک بار پروردگی (دهخدا، ۱۳۵۵، ۳۱۶). در بیان معانی واژه های انگلیسی *Trance* و *Extasy* در لغت نامه یادواره چنین آمده است:



Trance: نشئه، از خود بی خودی، بی هوشی، خلسه، مسحور کردن یا شدن، باجلاکی حرکت کردن، (روانشناسی) خلسه (ساعتچی، ۱۳۷۱، ۲۱۳۳). **Ecstasy (extasy):** وجد، خلسه، حظ یا خوشی زیاد، (روانشناسی) وجد (ساعتچی، ۱۳۷۱، ۶۱۹).

اصطلاحاتی مثل پر شدن، مستی، حال، مدهوش و... از گونه مواردی هستند که در بلوچستان برای نشان دادن احساس یک بیمار به وجد رسیده در حین مراسم گواتی استفاده می شوند. در میان فارسی زبانان نیز لغاتی مثل خلسه و وجد رایج است. در اتنوموزیکولوژی نیز، عباراتی مانند *Trance, Rapture, Extasy* در زبان انگلیسی و *Transe, Extase* در زبان فرانسه برای شرح این حالات استفاده می شود (فاطمی، ۱۳۷۸: ۱۸۵-۱۸۰).

در مراسم گواتی، بیمار پس از حرکات رقص گونه ای که همراه با افزایش تمپوی موسیقی است بی هوش می شود، دست و پا می زند، نفس اش تنگ می شود و فریاد می زند. همان اتفاقی که برای یک شمن حین مراسم شمنی روی می دهد یا حالتی که یک صوفی در مراسم سماع به آن می رسد. در مواردی سبب ایجاد وجد، استفاده برخی از موادی است که رسیدن به مرحله وجد را تسریع می کنند؛ مثلاً در مراسم شمنیسم، از بنگ استفاده می شود یا در مراسم فرقه قادریه که همراه با حرکات و عملیات محیر العقول مثل خوردن خورده شیشه و قورت دادن شمشیر و... است از مواد محرک استفاده می شود که نقش کاتالیزور در رسیدن به وجد دارند. اما عامل به وجود آورنده وجد در مورد موضوع این مقاله، همان هدف مورد نظر ما یعنی موسیقی است. در مراسم گواتی، فقط موسیقی است که وجد پدید می آورد، آن هم گونه ویژه ای از موسیقی. اما آیا موسیقی تنها عامل رسیدن به وجد است یا مهم ترین عامل؟ اگر تنها عامل نیست، در کنارش چه عامل یا عواملی موثراند؟ یکی از عوامل تاثیر گذار بر باورهای عمومی هر جامعه، بافت سنتی است. سنت مجموعه اعتقادات، باورها، نظرات و رفتارهای تکرارشونده است که در بستر زمان ایجاد می شود و بعنوان ارزش های اجتماعی و ملی و دینی مورد حمایت و اهتمام مردم و نیز پاسداری اجبار اجتماعی قرار می گیرد. می توان آداب و رسوم قدیمی و کهن (که البته در زبان مدرن، کهنه خوانده می شوند) قومی و ملی را در گستره سنت تعریف کرد. جامعه سنتی دارای تحرک اجتماعی محدودی بوده و مشخصه آن نوعی تقدیر گرایی مزمین است.

بخش عمده ای از جوامع سنتی به موجودات ماورائی و نادیدنی اعتقاد دارند که همواره در زندگی مردم سرک می کشند و با آزردهن آن ها سعی در خودنمایی دارند. بلوچستان نیز با توجه به بافت اجتماعی سنتی اش از این مقوله مستثنی نیست. در قسمت هایی از بلوچستان که رنگ و بوی سنت های گذشته رفته رفته کم رنگ می شود و رو به مدرن شدن می رود، اعتقاد به مراسم گواتی در گروه اندکی از مردم وجود دارد؛ به عنوان نمونه در زاهدان دیگر کمتر کسی در باره مراسم گواتی اطلاع کاملی دارد و گاهی حتی از این که در مورد گواتی از آنان پرسیده شود متعجب می شوند، اگر چیزی هم شنیده باشند آن را به سخره می گیرند و خرافات می پندارند. اما در بخش هایی مثل سرحد و به ویژه خاش، که هنوز مردم پای بند به سنن



پیشینیان هستند اعتقاداتی سخت و محکم، حتی در میان افراد تحصیل کرده نسبت به گوات و مراسم گواتی دیده می شود. در خاش هر جا که از مراسم گواتی سوال می کردم، همه با اشتیاق سعی در تشریح این مراسم و بیان نمونه های درمان شده آن داشتند و سعی می کردند با نهایت توان، هر چه بیشتر مرا یاری کنند، خلیفه صوری زهی را به خوبی می شناختند و برای وی احترام خاصی قائل بودند که این احترام، بی شک ناشی از اعتقاد آنان به درمانگر بودن و معجزه گر بودن وی از طریق مراسم گواتی است. حتی در یک مورد، کارشناس مدیریتی که سمت اجرایی بالا در یک دستگاه دولتی داشت به مراسم جن گیری معتقد بود و می گفت جنی که از بدن بیمار پس از مراسم جن گیری خارج شده را با چشم خویش دیده است یا نمونه هایی از اقوام نزدیک اش را مثال می زد که توسط خلیفه صوری زهی درمان شده اند. گذشته از آن در مواردی، در میان نسل جدید و با سواد افرادی هستند که دچار گوات شده و توسط خلیفه درمان شده اند. یک نمونه دختر دانشجویی ۲۰ ساله، ساکن خاش بود که به گوات مبتلا شده و توسط خلیفه صوری زهی درمان شده بود. زمانی که از خلیفه پرسیده شد آیا گوات فقط در بلوچ حلول می کند یا من به عنوان یک فارس نیز می توانم مبتلای باد شوم؟ پاسخ داد:

" باد فارس و بلوچ نمی شناسد و هر مسلمانی از هر نژاد و قومی که باشد ممکن است گواتی شود. فقط کسانی هستند که در مورد گواتی چیزی نمی دانند. ممکن است به آن اعتقاد نداشته باشند چون ندیده اند. دانشمندان این مرض را تایید کرده اند و گفتند یک چهارم دنیا را فرا گرفته. علاجش فقط خدا، ساز و موسیقی است. دانشمندان آن را تجربه کرده و اسمش را گذاشته اند موسیقی درمانی. "

اعتقاد به این مراسم در سرحد به حدی است که بیماران با وجودی که وضع مالی مناسبی ندارند و هزینه انجام مراسم برایشان بالاست، برای رهایی از باد، تن به قبول هزینه سنگین مراسم می دهند؛ طبعاً با توجه به این مسئله، تا اعتقاد کامل به مراسم وجود نداشته باشد پذیرش این بار مالی قابل قبول نیست.

پس قرار گرفتن در یک جامعه با بافت سنتی تقریباً دست نخورده که افرادش هنوز به رسوم گذشته پای بنداند در پذیرش این باور که انجام مراسم سبب درمان بیماری می شود بی تاثیر نیست. از سویی دیگر، این نکته قابل توجه است که با توجه به آنچه در منابع موجود در مورد گواتی آمده و آنچه خلیفه صوری زهی می گوید، بیش تر افرادی که دچار باد می شوند، در گروه افراد کم درآمد و بی بضاعت اجتماع اند. کسانی که گاهی، به خوبی از عهده تهیه مایحتاج اولیه زندگی بر نمی آیند و کمتر دیده می شود فردی در قشر نسبتاً مرفه جامعه، گواتی شود و اگر این مسئله رخ دهد برای همه عجیب است.

سختی زندگی، طاقت فرسا بودن شرایط محیطی و طبیعی و یکنواخت بودن دنیایی که این افراد در آن به سر می برند شاید در ابتلای بیماران به این اختلالات روانی و تنی و پریشان فکری هایشان بی تاثیر نباشد. وقتی از افراد محلی علت ابتلا به بیماری را پرسیم بالا جماع می گویند محرومیت هایی که بیمار در طول زندگی با آن ها دست به گریبان است و سرکوب امیال و خواسته هایش سبب اصلی بیماری اوست. به نمونه زیر توجه کنید:



بیمار، ملک خاتون، یک زن ۴۷ ساله است که از ۱۷ سالگی گواتی است. در کودکی یتیم بوده، در ۲۵ سالگی شوهر خود را از دست می دهد و اکنون تحت پوشش سازمان های حمایت کننده است. ۱۵ سال پیش مراسم گواتی برای وی انجام شده و خلیفه صوری زهی برای مدت ۱۰ سال وی را بسته بوده است. پس از طی این مدت، به دلیل عدم تجدید قرار داد برای بار دوم، عوارض باد دوباره در وی پدیدار شده و دوباره به خلیفه مراجعه کرده است.

هنگامی که دوباره عوارض بیماری اش از وی پرسیده می شود، پاسخ می دهد بیشترین چیزی که وی را آزار می دهد، خواب هایی است که در آن ها، پری به شکل گربه ظاهر شده و از وی درخواست می کند چیزهایی با ارزش، مثل طلا و لباس های گران قیمت تهیه کند و بپوشد؛ او نیز توانایی برآورده کردن این خواسته ها را ندارد، بنابراین در طول روز باد وی را رها نمی کند؛ دچار وسواس در کارهایش می شود، دست و پایش فلج می شود، سردردهای شدید دارد و..... می توان گفت خواب هایی که این بیمار می بیند بازتاب نیاز و آرزوهایی است که در درون با آن ها دست به گریبان است، لباس هایی که در آرزوی پوشیدن آن هاست، زیور آلاتی که در حسرت داشتن آن هاست و مورد بعدی، مریم، ۲۵ ساله است. همسرش یک راننده تاکسی است و وضع معیشتی مناسبی ندارد. او می گوید:

"هر وقت یک لباس در بازار می بینم پری از من می خواهد که آن را بخرم و اگر این کار را نکنم مرا اذیت می کند. بدنم تاول می زند، سرم باد می کند، خواب قبرستان می بینم، خواب می بینم بچه ام مرده، غصه می خورم. اما شوهرم پول ندارد که برای من آن لباس را بخرد. برای همین به بازار نمی روم که پری از من لباس بخواهد. به عروسی نمی روم که لباس های خوب ببینم و پری بخواهد."

در این مورد هم، عدم برآورده شدن خواسته و سرکوب امیال ناشی از تهی دستی و فقر، سبب بروز آشفتگی و پریشانی بیمار است. در این حال، برگزاری مراسم برای بیمار، می تواند به عنوان یک عامل فرار از دلایل آشفتگی عمل کند. دلیل بیماری اش نه خواسته های خودش و سرکوب شدن شان، بلکه امیال پری معرفی می شود و به نحوی فرافکنی می کند. با بستن قرارداد با پری و تهیه چیزی کم بهاتر از خواسته پری، خودش را آرام می کند و گاهی مواقع نیز، با وجود عدم توانایی، خود یا خانواده اش را برای رسیدن به خواسته اش ملزم می کند و به این طریق به آرزوی خود جامه عمل می پوشاند. خلیفه صوری زهی می گوید:

"وقتی از باد پری می پرسم چرا بیمارم را اذیت می کنی، باد می گوید لباس یا طلا یا قربانی می خواهم. باد این چیزها را برای مریض می خواهد برای خودش نمی خواهد. لباس و طلا به درد باد نمی خورد، او موسیقی و خون قربانی را دوست دارد و این ها را می خواهد."

نکته قابل تامل بعدی این است که از نظر بلوچ، گوات فقط در جلد جوانان می رود و افراد مسن گواتی نمی شوند؛ این خود صحنه ای است بر نکته ای که ذکر شد، از آن جهت که آرزو و امیال جوانان بیش از میان سالان است و جوانان معمولا با



ناکامی متعددی در زندگی مواجه اند. روشن تر بگویم: بیمار با توجه به قراردادهای سنتی اجتماعی که در آن زندگی می کند و سنت هایی که پذیرش آن برایش امری بدیهی است به خود می باوراند که با حضور در این مراسم از آزار پری رها می شود.

علاوه بر این، خودباوری تنها راه درمان در مراسم و رسیدن به وجد است، همه از او انتظار دارند که وجد را تجربه کند. پس تلاش می کند تا به وجد برسد و می رسد. به تعبیری، خودتلقینی بیمار برای رسیدن به وجد، از طرفی تلقینی که از طرف اجتماع به وی داده می شود، می تواند در به وجد رسیدن اش موثر باشد. شاید از این روست که اگر من به عنوان کسی که جزئی از این بافت سنتی نیست و هیچ پیش آگاهی نسبت به تاثیر این موسیقی و مراسم در رسیدن به وجد ندارد، نتوانم تحت تاثیر قرار گرفته و به وجد به مفهوم خاص این مقوله برسم. بد نیست در این خصوص به نظر ژریلبر روزه در مورد رابطه میان موسیقی و بی خودی نیز اشاره ای داشته باشیم.

از نظر وی جنبه احساسی موسیقی است که موجبات وجد را فراهم می آورد. به بیانی دیگر، تاثیر شورانگیز یا حال آور موسیقی را از ویژگی های فرهنگ موسیقی مسلمانان می داند و آن را واجد یک ویژگی فراحسی می داند که نه تنها سبب ایجاد وجد در موسیقی قدسی و عرفانی بلکه موجب ایجاد حالاتی مشابه در موسیقی طربناک می شود. وی معتقد است رفتارهایی که در هنگام وجد از بیمار سر می زند (دریدن جامه ها، گریستن، از حال رفتن و...) یک رفتار فرهنگی و یک نحوه بیان حال کلیشه ای و ارزش گذاری شده است. البته وی صادقانه بودن این رفتارها را زیر سوال نمی برد. نمونه های دیگر این رفتار که صرفاً جنبه فرهنگی دارد و از کودکی کسب می شود را می توان در همه جای دنیا یافت. مثل عکس العمل افراد نسبت به سرود ملی یا واکنش های عاطفی به آهنگ هایی که ریشه در فرهنگ قومی دارند (فاطمی، ۱۳۷۸: ۱۹۲).

از سویی دیگر، روزه جمعیت حاضر در مراسم را نیز یکی از ارکان مراسم می داند، از آن رو که برای مراسم جنبه تئاتری قائل است. به این دلیل معتقد است جمع به آن چه می گذرد معتقد است و در انتظار وقوع آن رویداد اصلی که همان به وجد رسیدن بیمار است. بیمار نیز با استفاده از حال و شورانگیز بودن موسیقی خود را به مرحله ای می رساند که هم هویتی خویش با روح تسخیر کننده را به جمع نشان دهد (همان).

از طرفی، علاوه بر تاثیری که بافت اجتماعی در به وجد رسیدن بیمار دارد، گواتی بودن نیز تحت تاثیر باورهای عمومی اجتماع است، برای گواتی بودن نیز باید شرایطی ویژه داشت و یک پیش زمینه ذهنی و یک فرضیه برای احتمال گواتی بودن یا نبودن یک بیمار وجود دارد، حتی برای گواتی بودن، در درجه اول، شخص باید در چارچوب ها و کلیشه های از پیش ساخته اجتماع قرار بگیرد تا بتواند گواتی شناخته شود، چه رسد به درمان توسط مراسم.

از سوی دیگر، به اعتقاد خلیفه، بوی خوش همانند قربانی و موسیقی، یکی دیگر از مواردی است که در جلب نظر گوات موثر است و سبب خوشآیند وی است. از این روست که در ابتدای مراسم گواتی، سوچکی (نوعی عود پاکستانی) می سوزانند



و بوی خوش را به گوات هدیه می دهند تا سبب خوشنودی وی گردد. قابل ذکر است که پزشکان در کار با بیمارانی که حس بویایی خود را از دست داده اند، دریافته اند زندگی بدون بو، می تواند منجر به افزایش مشکلات روانی از جمله اضطراب و افسردگی شود. عطر گل ها و سایر مواد معطر طبیعی، گیرنده های عصبی بویایی را تحریک می کنند. پیام های دریافت شده توسط این گیرنده ها (احساس بوی خوش) به منطقه لیمبیک (کنترل کننده خلق و خو، احساسات و یادگیری در مغز) در مغز می رسد. در این منطقه پیام های بویایی درک و کدبندی شده و در حافظه مربوط به هر بو ذخیره می شود و بر رفتار جسمانی و عاطفی فرد اثر می گذارد. ضمن آنکه بوهای خوشایند مثل رایحه اسطوخودوس در درمان بیماران مبتلا به افسردگی مضمّن تاثیر غیر قابل انکاری دارند (PREETHI, 2012:11) بوها می توانند بر روند ساخته شدن هورمون ها، گرایش های انگیزشی شخصی، سطح حرارت بدن، سطح هورمونی بدن، ساخته شدن انسولین، سوخت و ساز بدن، افکار و واکنش های آگاهانه، اثر بگذارند. بوها با تحریک مغز در ترشح انتقال دهنده های شیمیایی الکتریکی عصبی، باعث حالات روانی خاصی می شوند (https://prezi.com). پس می توان به این نتیجه رسید که استفاده از یک ماده معطر در جهت عطر آگین ساختن فضای مراسم، می تواند همزمان اثراتی خاص بر جسم (تغییرات سطح هورمون ها و حرارت بدن) و روح بیمار (افکار و احساسات) داشته و همه این ها در کنار شنیدن موسیقی با ویژگی های خاص، بیمار را به سمت رسیدن به حالت وجد سوق دهد.

اما ساختار سازهای مورد استفاده در مراسم و نوع اصواتی که تولید می شوند آیا می تواند در به وجد رسیدن بیمار موثر باشد؟ گروهی از محققین بر این باوراند که یکی از عوامل موثر در وجد بیمار، ارتعاشاتی است که سازهای کوبه ای در فضا تولید می کنند. شاید این مسئله در مورد مراسم مشابه دیگر مثل زار قابل انطباق باشد، از آن رو که در مراسم زار فقط از سازهای کوبه ای استفاده می شود. اما این الگو مناسبتی برای مراسم گواتی ندارد، چون در مراسم گواتی، سازهای کوبه ای نقش کم رنگ تری در مراسم دارند و حتی در برخی مواقع در مراسم گواتی، ساز کوبه ای به کلی غایب است. مسئله دیگری که نباید از نظر دور داشت و مهم به نظر می رسد، ماهیت موسیقی از نظر وجود قواعدی است که بر آن حاکم است و آن ماهیت نظم دهنده یک قطعه موسیقایی است. وجود ریتم در یک قطعه موسیقی و تکرار منظم دسته ای از پارامترهای صوتی در بازه های زمانی مشخص، خود القا کننده یک نظم و انسجام است. این وحدت ذاتی موسیقی بی شک در منظم تر شدن افکار بیمار بی تاثیر نیست. علی الخصوص که این نظم بخشی، همراه با حرکات بدنی بیمار است. موتیف های تکرار شونده که خاص این ویژه موسیقی است (موسیقی گواتی) هم تاثیر این مسئله را شدت می بخشد. در اینجا لازم به نظر می آید نظر ژیلبر روژه، اتنوموزیکولوژیست فرانسوی را، در مورد ماهیت موسیقی هایی از این گونه (موسیقی وجد)، به اجمال بیان کنم. از نظر وی، موسیقی وجد، دارای هیچ خصیصه اسرار آمیزی نیست و بین گونه های مختلف این موسیقی، به سختی می توان وجه



اشتراک یافت. تنها وجه اشتراک بین این نوع موسیقی، استفاده از افزایش سرعت، شدت صدا و نوعی شکست ریتم است که همین سه عامل در نهایت موجب تسخیر و رسیدن فرد به وجد می شوند.

به تعبیری بهتر، از نظر روژ، اگر موسیقی سبب به وجد رسیدن بیمار می شود، به دلیل ساختار موسیقایی و ملودیک اش نیست یا اثر آن بسیار کم رنگ است. از سویی دیگر، نقش موسیقی در این گونه مراسم به کیفیت نمادین آن باز می گردد. هر وجود قدسی (ماورائی) یک عامل موسیقایی مخصوص به خود را دارد و با نواختن آن وارد عالم ناقدسی یا مادی می شود (فاطمی، ۱۳۷۸: ۱۹۰). کما اینکه هر باد در مراسم گواتی با یک موسیقی خاص مرتبط است و از روی آهنگ مورد علاقه بیمار پی می برند کدام باد وی را تسخیر کرده است. این مسئله باز تاکید بر این نکته است که جنبه فرهنگی موسیقی تاثیر بیشتری بر بیمار دارد و در حقیقت باورهای هر فرهنگ سبب تشخیص یک آهنگ خاص در مراسم می شود. از طرفی، روژه اعتبار چندانی برای تاثیر فیزیولوژیک ساز و موسیقی مورد استفاده در مراسمی از این دست در به وجد رسیدن بیمار قائل نیست و آزمایشاتی که نهر در این زمینه انجام داده است را قابل قبول نمی داند (فاطمی، ۱۳۷۸: ۱۹۰). دکتر فاطمی نیز تاثیرات هیپنوتیک و واکنش های شرطی نسبت به موسیقی وجد را این گونه نقد می کند:

"پاسخ های فیزیکی از این دست باید هر بار که موسیقی واحدی اجرا می شود بدون استثناء مشاهده شوند. در صورتی که در عمل چنین نیست. بارها اتفاق افتاده است که مراسم مورد نظر بی نتیجه می ماند و وجد حاصل نمی شود، در صورتی که موسیقی اجرا شده دقیقاً همان است که همواره بوده است... گذشته از آن معلوم نیست چرا در یک مراسم تنها یک نفر، یا در نهایت تعداد معدودی از شرکت کنندگان، در وجد می شوند در حالی که همه در معرض "تاثیرات فیزیکی" موسیقی واحدی قرار دارند" (فاطمی، ۱۳۷۸: ۱۹۰).

به عقیده خلیفه صوری زهی، اگر کسی در این مراسم درمان نشود (به وجد نرسد)، گواتی نیست و باید برای درمان به دنبال راه های دیگری باشد. از نظر معتقدین به مراسم گواتی، حاضرین در مراسم و حتی نوازندگان تحت تاثیر موسیقی قرار می گیرند و نسبت به آن واکنش نشان می دهند اما جنس این واکنش متفاوت با واکنش گواتی به موسیقی است که علت آن همان غلبه باد هوا بر بیمار است. طبق موارد بیان شده آیا می توان گفت انسانها از نظر بیولوژیک با هم متفاوت اند؟ اگر خیر پس چرا افراد از اجتماعاتی غیر از بلوچ و با فرهنگ هایی متفاوت در برابر این موسیقی واکنش خاصی نشان نمی دهند و حتی چرا سایر حضار مراسم گواتی واکنشی این چنین ندارند؟ پس آیا یک فرد گواتی دچار تغییرات خاص بیولوژیکی گردیده که تحت تاثیر موسیقی گواتی واکنشی بدین گونه دارد؟ یا هیچ تغییر بیولوژیکی در کار نیست و همانا موجودی ماورائی در این میان سبب این تفاوت رفتاری بین گواتی و یک فرد عادی می شود؟ سوالاتی از این گروه هنوز بی جواب اند و جای بحث و تامل بیشتری دارند که خارج از حوصله این بحث است اما با توجه به نتایجی که در این تحقیق به آن دست یافتیم می



توان گفت گره مسئله‌ی گواتی، مسیر درمان بیمار و موسیقی این مراسم با توضیحات فرهنگی - اجتماعی آسان تر گشوده می‌شود.

مورد بعد که بد نیست به آن اشاره شود تاثیر حرکات موزونی است که بیمار حین مراسم و هنگام وجد انجام می‌دهد؛ این گونه حرکات و حالات در مراسم گواتی در سرحد، حال و در مکران لئب نامیده می‌شوند.

اما ویژگی‌ها و سبک حرکات رقص گونه یک فرد گواتی چیست؟ در مرحله اول، بیمار روی زمین دراز کشیده است. با شروع موسیقی گواتی، آرام آرام از سطح زمین جدا شده و نیم خیز بالاتنه خود را حرکت داده و همراه با آهنگ، گردن و سر را می‌چرخاند. همزمان با تند تر شدن تندا، حرکات بیمار نیز سریع تر می‌شود و این حرکات رقص گونه تا جایی ادامه می‌یابد که بیمار بیهوش دوباره بر روی زمین می‌افتد. همین افزایش تدریجی تنداست که سبب افزایش سرعت رقص بیمار و همزمان با آن افزایش میزان ضربان قلب وی می‌شود و سرانجام به بر زمین افتادن وی می‌انجامد. آنچه به نظر می‌رسد این است که در ابتدا و شروع قطعه موسیقی، این ملودی است که بیمار را تحت تاثیر قرار می‌دهد، اما با بالا رفتن تندای آهنگ و همزمان، بالا رفتن سرعت رقص بیمار، این تمپو است که بیمار را در رسیدن به وجد یاری می‌رساند. در حقیقت رقص هم از طریق موسیقی است که بیمار را به وجد می‌رساند. از سویی دیگر حرکات بدنی یکنواخت بیمار که همراه با تند شدن تدریجی آهنگ، به تدریج تند می‌شود، سبب می‌شود گردش خون طی یک جریان منظم در بدن بیمار افزایش یافته و به مرور، سبب بالاتر رفتن تعداد ضربان قلب بیمار و در نتیجه حالت هیجانی شود و وی را به وجد برساند.

موثرترین قطعات اجرا شده در مراسم گواتی از دید بیماران و تاثیرات آن‌ها بر بیمار

با توجه به مشخص بودن تعداد قطعاتی که در مراسم گواتی اجرا می‌شود و متنوع نبودن آنها، برخی از قطعه‌ها بیشتر مورد توجه بیماران قرار می‌گیرند و بیماران بیش تر به شنیدن آن‌ها تمایل دارند. از نمونه آماری ۱۰ نفره این تحقیق، هفت نفر قطعه مورد علاقه پری را "سیمرغ" و "مست قلندر" و سه نفر "الله هو" می‌دانستند. شاید دلیل اصلی تمایل بیشتر بیماران به قطعه سیمرغ، متنوع بودن ریتم‌های آن است که طبق گفته خلیفه صوری زهی شامل سیزده ریتم مختلف است. از سویی دیگر طولانی بودن این قطعه، داشتن ملودی یکسان و تغییر مکرر ریتم آن و شاید بدون شعر بودن این آهنگ، در متمرکز شدن بیمار و راحت تر رسیدن وی به مرحله وجد بی‌تاثیر نباشد. البته نباید این مسئله را از نظر دور داشت که قطعه سیمرغ یکی از قطعاتی است که در مراسم متعدد سنتی - آئینی بلوچستان حضوری پررنگ دارد، برای نمونه این آهنگ در گروه قطعاتی است که در مراسم عروسی بلوچستان خواهان زیادی دارد و ریتم‌های مختلف اش در مراسم عروسی نواخته می‌شود. پس طبیعتاً این قطعه باید به گوش بیمار(به ویژه بیماران زن) آشنا تر باشد و از این رو سریع تر با این قطعه ارتباط برقرار می‌کند؛ از نظری دیگر شاید شنیدن قطعه ای که در یک مراسم شادی آور اجرا می‌شود برای شنونده از این نوع(با شرایط روحی خاص مثل افسردگی) خوشایندتر به نظر آید، اما قطعاتی مثل "الله هو" جز قطعاتی است که بیشتر مختص مراسم و آئین‌های عرفانی



است و کمتر به گوش بیماران خورده است، از آن جهت که حضور در مراسم عرفانی خاص گروهی خاص از جامعه بلوچ است که معمولاً زنان در آن گروه نیستند، پس برای آنان کمتر آشناست و شاید از این رو برقراری ارتباط با آن مشکل تر باشد.

قطعه مست قلندر بعد از سیمرخ، آهنگ دلخواه بیماران است. در مورد قطعه مست قلندر ذکر این نظر دورینگ جالب است: "شهباز قلندر (مست قلندر) ملایم تر و درونی تر است، به خاطر همین هم هست که بیشتر مربوط به زن هاست. قطعاتی که مربوط به شهباز قلندر است خیلی بیشتر برای زن ها اجرا می شود تا قطعات مربوط به عبدالقادر.... گذشته از این یک چیز دیگر هم درباره ی شهباز قلندر وجود دارد که عجیب است و مناسبت او را با زن ها نشان می دهد. او را به یک کودک تشبیه می کنند، به یک نوزاد. مجموعه ی اشعاری در این زمینه وجود دارد که مضمون آن ها عزیز داشتن شهباز مثل یک کودک است.."(دورینگ، ۱۳۸۴:۱۶۷).

در مورد سایر قطعات، مثل "الله من پکیرم"، "الله هو" و شاید کوتاه بودن زمان اجرای آن ها نسبت به قطعات سیمرخ و مست قلندر و عدم تنوع در ساختار ریتم و ملودی در عدم اقبال آن ها توسط بیمار بی تاثیر نباشد. جالب است که بدانیم قطعه مورد علاقه خود خلیفه صوری زهی، آهنگ "الله هو" است؛ قطعه ای که در بین بیماران کمترین اقبال را دارد. شاید دلیل این علاقه مندی، جنبه عرفانی قطعه باشد و این که از طریق این آهنگ خلیفه خود را به خدا نزدیک تر احساس می کند. البته متن و محتوا و حتی نام این قطعه نیز در انتخاب آن توسط خلیفه صوری زهی، با توجه به این که خود را متصل به عالم ماوراء می داند موثر است. در حقیقت، این گونه تمایلات نسبت به یک قطعه، باز هم به سلیقه عمومی و بافت فرهنگی یک جامعه باز می گردد که پیش تر به آن اشاره شد.

تفاوت شیوه اجرای مراسم در سرحد با بلوچستان پاکستان و مکران

هرچند دورینگ معتقد است گواتی مختص مناطق مرکزی بلوچستان ایران است (دورینگ، ۲۸:۱۳۸۸)، این مراسم در سرحد حتی باقوت بیشتری نسبت به نواحی دیگر، کماکان اجرا می شود. نکته قابل اهمیتی که در طی این تحقیق با آن روبرو می شویم، تفاوت هایی است که از لحاظ روش اجرای مراسم گواتی در سرحد با مکران و بلوچستان پاکستان وجود دارد. شیوه اجرای مراسم در مکران مشابه با روش اجرایش در بلوچستان پاکستان است، اما روش اجرا در سرحد روشی کاملاً متمایز است؛ و این نکته مسئله ای است که از چشم محققینی که در زمینه گواتی و مراسم آن مطلب می نویسند دور مانده است.

یکی از مهم ترین موارد تفاوت مراسم گواتی سرحد با سایر مناطق و نواحی، چگونگی به وجد رسیدن بیمار است؛ در تمامی متونی که به تشریح حالات بیمار هنگام به وجد رسیدن پرداخته اند چنین آمده است که بیمار پس از رقصیدن همراه با موسیقی به وجد می رسد و هنگام به وجد رسیدن غش کرده و از حال می رود. در این هنگام خلیفه بالای سر بیمار می رود و با باد که حالا کاملاً وارد بدن بیمار شده است، صحبت می کند و از وی می پرسد که برای رها سازی بیمار چه می خواهد.



بیمار، با زبانی بیگانه (عربی، اردو و....) جواب خلیفه را می دهد، یعنی در حقیقت باد با خلیفه سخن می گوید و این زبان باد و صدای اوست نه صدای بیمار. اما در سرحد این مسئله را نوعی نمایش و تظاهر می دانند. خلیفه صوری زهی این شیوه اجرا را صحیح نمی داند:

" این چیزها، مربوط به بلوچستان پاکستان است، حقه بازی و کلاهبرداری است. ما این چیزها را قبول نداریم. مریض وقتی پر شد و مست شد از هوش می رود و نمی تواند صحبت کند. ما قبل از مراسم و قبل از همه چیز از بیمار می پرسیم که چه خواب هایی می بیند و باد در خواب از او چه می خواهد. این که بیمار با زبان عربی یا اردو حرف می زند مربوط به بلوچستان پاکستان است، مال سرحد زمین نیست."

نکته بعدی که در سرحد دیده می شود، استفاده از یک پرده حائل بین بیمار و خلیفه است، بیمار در یک سو و خلیفه و حضار مجلس در طرف دیگر می نشینند؛ مراسم اجرا می شود و پس از اینکه بیمار به وجد رسید خلیفه به طرف دیگر پرده رفته و با بیمار سخن می گوید، البته با بیمار نه، با باد. خلیفه از بیمار می پرسد که حال اش چگونه است؟ احساس بهتری دارد؟ موسیقی ادامه داشته باشد یا برای این جلسه کافی است؟ و...

استفاده از پرده بیشتر در مواقعی که بیمار زن است یا مردی است که از حضور جمع خجالت می کشد، دیده می شود. از دید خلیفه صوری زهی درست نیست که بیمار زن در جمع نوازندگان و افرادی که به اصطلاح نامحرم اند به آن صورت حضور یابد و حتی خلیفه هم تا زمانی که نیاز نباشد نباید به خلوت بیمار وارد شود؛ البته بنا به خواسته بیمار یکی از افراد نزدیکش مثل پدر، برادر، مادر و ... می توانند هنگام اجرای مراسم کنار بیمار باشند و در نهایت هم اوست که به خلیفه اعلام می کند بیمار چه زمانی به وجد می رسد. اما استفاده از پرده در بلوچستان پاکستان مرسوم نیست و بیمار همراه با سایرین در یک فضای مشترک قرار می گیرند و پیش چشم همگان به وجد می رسد.

مسئله بعدی حواشی مراسم است. در سرحد، گوشت قربانی ای که بر حسب استطاعت بیمار تهیه می شود پس از اتمام مراسم بین افراد بی بضاعت تقسیم می شود؛ حین اجرای مراسم نیز پذیرایی ویژه ای از حضار نمی شود. اما در بلوچستان پاکستان گوشت قربانی را پخته و در همان مراسم سفره ای انداخته و حاضرین جلسه را مهمان می کنند، همچنین در هنگام مراسم با حلوایی که مخصوص مراسم تهیه می شود از حاضرین پذیرایی می کنند و گاهی نیز در هر یک از شب های سه گانه یا پنجگانه با یک خوراکی که خاص مراسم است پذیرایی می شود. خلیفه صوری زهی معتقد است این تجملات برای مراسم اصلا ضروری نیست؛ از آن رو که بیماران غالباً افراد فقیری هستند که حتی گاه استطاعت پرداخت هزینه نوازندگان مراسم را نیز ندارند.

البته باید یادآوری کرد در سرحد، گوات همان باد است و باد را یک موجود ماورائی می دانند اما برای آن تقسیم بندی قائل نیستند، به گفته خلیفه صوری زهی گوات همان باد پری است، اما بنا به نظر دورینگ، در بلوچستان پاکستان گوات را چیزی



سواى پرى يا فرشته و همان جن مى دانند؛ حتى دورينگ مراسم گواتى را با جن گيرى يکى ميدانند. (دورينگ، ۲۹: ۱۳۸۸). درحالى که صورتى زهى معتقد است اگر بيمار جن زده باشد وى نمى تواند درمانش کند و بيمار بايد نزد ملا يا دعانويس برود. در سرحد به جاى استفاده از کلمه لب، از واژه *حال* يا *جذب* استفاده مى کنند و کلمه لب را کلمه اى رايج در پاکستان مى دانند که منظور، همان حالت بيخود شدن بيمار بر اثر استماع موسيقى است. از سويى ديگر، باز بنا بر گفته خليفه صورتى زهى، در پاکستان، مراسم گواتى گونه هاى مختلفى دارد که بر حسب شدت بيمارى انواع آن متغير است. به عنوان مثال *هون لئب* گونه اى است که در آن براى درمان و رهايى بيمار فقط بايد خونى ريخته شود تا باد سير شده و راضى شود اما در *ساز لئب* گوات با شنيدن ساز راضى و خشنود مى شود و بيمار را رها مى کند؛ اما در سرحد، مراسم رهايى بيمار از گوات، الزاما با اجراى موسيقى انجام مى شود و بر حسب شدت و ضعف بيمارى گواتى، تعداد سازها بيشتر و کمتر مى شود. مراسم هم فقط گواتى نام دارد و دسته بندى مشخصى ندارد.

نکته مهم بعدى، اختلافى است که در مورد خليفه و ويژگى هايش بين اين دو منطقه ديده مى شود. طبق نظر دورينگ، محقق فرانسوى که در زمينه گواتى در بلوچستان پاکستان تحقيقات ارزنده اى داشته است، در بلوچستان پاکستان اعتقاد بر اين است که خود خليفه نيز گواتى است (دورينگ، ۱۳۸۴: ۱۶۲)، اما خليفه صورتى زهى معتقد است خليفه به هيچ وجه نبايد گواتى باشد چرا که در اين صورت توانايى درمان بيمار را ندارد، خليفه پشت در پشت بايد خليفه باشد، کما اينکه خود خليفه صورتى زهى به صورت موروثى خليفه شده است؛ اما خليفه هيچگاه گواتى نيست. هر خليفه به طور موروثى يک باد را تحت اختيار و فرمان دارد و از وى براى درمان بيمار استفاده مى کند اما اين مسئله به معنى گواتى بودن خليفه نيست. در بلوچستان پاکستان و مکران خليفه يک بار تجربه گواتى بودن را دارد، اما در مورد گواتى سرحد اين مسئله صادق نيست و خليفه هيچ گاه تحت تسلط باد در نيامده و اين باد است که تحت اختيار خليفه است. در سرحد، خليفه هنگام اجراى مراسم به اصطلاح *بلوچ ها حال مى کند* اما بيهوش نمى شود؛ اين اتفاقى است که گاه براى نوازندگان يا سايرين حاضر در جلسه رخ مى دهد. به عبارتى بهتر دليل به وجد رسيدن بيمار (وجدى که منجر به غش کردن و بيهوش شدن مى شود) وجود باد است. از همين روست که برخلاف عقیده اى که در مکران و پاکستان وجود دارد، در سرحد اگر بيمارى در مراسمی مثل عروسی که آهنگ های گواتی نواخته می شود حضور یابد و با شنیدن قطعات موسیقی گواتی از خود بی خود شود به معنى آن است که هنوز درمان نشده است. چون باد دوباره در کالبد بيمار حلول کرده و با شنيدن آهنگ، باد است که سبب وجد بيمار و غش کردن اش مى شود. اما به اعتقاد دورينگ، در بلوچستان پاکستان، هر کس که گواتى باشد، چه درمان شده و چه درمان نشده باشد، در هر مراسمی با شنیدن قطعات ویژه گواتی از خود بی خود می شود (دورينگ، ۱۳۸۴: ۱۶۴). خليفه صورتى زهى مى گويد:



"در شب آخر مراسم، به اراده و خواست خودم از بیخود می شوم و به پری خودم می گویم که بیاید و با او صحبت می کنم. البته او را نمی بینم و فقط صدایش را می شنوم. با پری تند و تیز صحبت نمی کنم. اگر تند و تیز صحبت کنم پری حاضر نیست با من صحبت کند و مریض را اذیت می کند. از او می پرسم چرا باد مریض مرا اذیت می کند؟ پری من از باد می پرسد. باد جواب می دهد لباس یا طلا می خواهم. باد این چیزها را برای مریض می خواهد."

در سرحد، خلیفه هم به وجد می رسد اما این رسیدن به وجد از نوع دیگری است، اختیاری و خودخواسته است و تا زمانی که خود خلیفه نخواهد رخ نمی دهد؛ اما در مورد بیمار این مسئله اختیاری نیست. مورد بعد نوازنده بودن یا نبودن خلیفه است. طبق تحقیقات دورینگ، در بلوچستان پاکستان خلیفه به هیچ وجه نمی تواند نوازنده باشد و نوازنده بودن او محتمل نیست مگر در مواردی خاص، از آن رو که فقط یک گواتی می تواند خلیفه باشد و از طرفی دیگر نوازنده نباید گواتی باشد (دورینگ، ۱۳۸۴: ۱۶۴). اما در سرحد برخلاف پاکستان، خلیفه می تواند نوازنده باشد و هست؛ کما این که خلیفه صوری زهی معمولا در مراسم گواتی، ساز قیچک که ساز تقریبا کلیدی مراسم است را می نوازند و شعر هم می خواند. تاثیری که موسیقی بر نوازندگان گواتی دارد همانند تاثیری است که بر سایر حاضرین به استثنای خلیفه و بیمار دارد؛ نوازندگان هم مثل سایرین تحت تاثیر موسیقی مراسم قرار می گیرند، سر تکان می دهند و در اصطلاح بلوچی، به جوش می رسند و سرمست می شوند، اما به وجد به آن معنای خاص که خروج از عالم مادی همراه با پاره ای واکنش های جسمانی است دست نمی یابند. دورینگ می گوید:

"از نوازنده های دیگر هم گاهی پرسیده ام که آیا وقتی می نوازند مست می شوند یا نه؟ واقعیت این است که وقتی پر شوی دیگر نمی توانی بنوازی. آن ها یک مورد شمن سراوانی را مثال می زدند که موقع نواختن وقتی توسط ارواح تسخیر می شد دیگر نمی دانست چه می نوازند و سازش را از دستش در می آوردند. با موسیقی خودش مست می شد و بعد دیگر نمی توانست بنوازند... به هر حال نوازنده ها جواب می دادند که "نه... ما گرفتار نمی شویم. جن و گوات و این چیزها نداریم... اما ما همه مان یک چیزی داریم... یک تجربه ای داریم. اگر کسی واقعا و عمیقا تکان نخورد نمی تواند نوازنده باشد" (دورینگ، ۱۳۸۴: ۱۶۴). بنابراین، طبق مشاهدات دورینگ، نوازنده ها گواتی نیستند و با توجه به این مسئله، به طریق اولی با توجه به عدم گواتی بودن، نوازنده نمی تواند خلیفه باشد. این هم یکی از همان موارد اختلافی است که میان گواتی در سرحد و بلوچستان پاکستان وجود دارد. به گفته خلیفه صوری زهی، نوازنده ای که گواتی باشد هنگام اجرای موسیقی از حال خود خارج می شود و دیگر قادر به نواختن نیست، از این رو نوازندگان افراد سالمی هستند؛ چه اگر گواتی هم باشند طی مراسم بهبود می یابند.



مسئله قابل ذکر دیگر آن که در سرحد، خلیفه پری خودش را واسطه‌ی مذاکره با باد قرار می‌دهد و مستقیماً با پری بیمار به گفتگو نمی‌کند، اما در مکران و پاکستان، خلیفه به طور مستقیم با گوات بیمار صحبت می‌کند. خلیفه صوری زهی معتقد است این مسئله شیادی و کلاهبرداری است و هیچ کس نمی‌تواند مستقیماً با باد بیمار گفتگو کند.

نتیجه گیری

طبق مطالبی که در این مقاله از پیش رو گذشت، به نتایج زیر می‌رسیم:
 - دلیل اصلی بیماری یک گواتی، شرایط سخت و طاقت فرسای زندگی بلوچ است که با ناکامی‌هایی بسیاری رو برو است، دلیل اثبات این ادعا، مستثنی بودن طبقه مرفه اجتماع از گواتی شدن و بروز بیماری در جوانان و به ویژه زنان جوان است.
 - بافت اجتماعی، تلقینات ذهنی و پیش زمینه فکری فرد در درمان بیمار طی مراسم گواتی بی‌تاثیر نیستند.
 - عامل کلیدی درمان بیمار در مراسم، رسیدن به وجد و سبب اصلی رسیدن به وجد، موسیقی است. اما مشخصه برجسته موسیقی که سبب وجد بیمار می‌شود شامل موارد زیر است:

الف- ریتم تندشونده قطعات سبب می‌شود بیمار به آرامی متمرکز شده و به وجد رسد.
 ب- اشعار خوانده شده، در ابتدای بیمار را آماده می‌کند تا برای رهایی از گوات نزد خدا، به ناتوانی اش اقرار کرده و سپس به پیامبر و اولیاء اش برای رهایی از گوات متوسل شود و گوات را در مقابل قدرت بی‌انتهای خداوند و اولیاء اش قرار می‌دهد.
 - از نظر پزشکی، رقص و حرکاتی که بیمار حین مراسم انجام می‌دهد سبب اثر فیزیولوژیک موسیقی در سرعت ضربان نبض، بالا بردن و پایین آوردن فشار خون، تغییر شدت تنفس و همچنین تأثیر روانی و تغییر حالت و بالا بردن میزان دقت و سطح فکر می‌شود و باعث ترشح گروهی از هورمون‌ها می‌شود که در ایجاد حالت سرخوشی موثرند.
 - قطعاتی که در گواتی نواخته می‌شوند خاص این مراسم نبوده و در سایر مراسم آئینی-مذهبی نیز نواخته می‌شوند. اگر بیمار به طور کامل درمان نشده باشد در هر مکان دیگر غیر از مراسم گواتی نیز تحت تاثیر این قطعات قرار می‌گیرد و اگر درمان شده باشد اثری روی بیمار و به وجد رسیدن اش ندارند. سبک نواختن قطعات گواتی همواره و در هر مراسمی به یک صورت واحد است.

- قطعات گواتی فقط روی افرادی اثرگذار است که تحت نفوذ باد باشند و افراد عادی و حتی بیمارانی که درمان شده‌اند واکنش خاصی نسبت به این قطعات ندارند.
 - خلیفه فقط زمانی به وجد به معنای کامل اش می‌رسد که خود اراده کند و در این هنگام بادی که تحت فرمان اوست با وی ارتباط برقرار کرده و رابط بین او و پری بیمار می‌شود.
 - بین مراسم گواتی در سرحد بابلوچستان پاکستان و مکران تفاوت‌هایی اندک ولی کلیدی دیده می‌شود.



- بر خلاف مگران و پاکستان، خلیفه در سرحد گواتی نیست اما پشت در پشت یک پری در اختیار دارد که تحت فرمان اوست. همچنین در سرحد خلیفه هم نوازنده-خواننده و هم خلیفه است و برای نوازنده بودن او منعی وجود ندارد.

-خلیفه و نوازندگان گواتی، دچار باد نیستند و نباید باشند و در حین مراسم به وجد به آن معنای خاص اش نمی رسند.

-ترتیب اجرای آهنگ ها در مراسم مهم نیست و اثری خاص ندارد اما معمولاً مراسم را با قطعات کوتاه تر و ملایم تر شروع می کنند تا بیمار را برای رسیدن به وجد آماده و مهیا کنند. در صورتی که بیمار سابقه بیماری داشته باشد ترتیب اجرا را وی مشخص می کند.



منابع:

۱. درویشی، محمدرضا، *دایره المعارف سازهای ایران*، سروش، تهران، ایران، اول، ۱۳۸۰.
۲. درویشی، محمدرضا، *موسیقی و خلسه*، موسسه فرهنگی هنری ماهور، تهران، ایران، اول، ۱۳۸۷.
۳. دهخدا، علی اکبر، *لغتنامه دهخدا*، امیرکبیر، تهران، ایران، دوم، ۱۳۵۵.
۴. ریاحی، علی، *زار و باد بلوچ*، طهوری، تهران، ایران، اول، ۱۳۵۶.
۵. دورینگ، ژان، *موسیقی و وجد در بلوچستان*، انیسه پارسایی، فصلنامه ماهور، شماره ۴۴، تهران، ایران، ۱۳۸۸.
۶. ساعتچی، محمد، *فرهنگ یادواره*، یادواره کتاب، تهران، اول، ۱۳۷۱.
۷. فاطمی، ساسان، *موسیقی قدسی در گواتی و سماع*، فصلنامه هنر، شماره ۴۰، تهران، ایران، ۱۳۸۷.
۸. فاطمی، ساسان، *موسیقی و تسخیرشدگی در بلوچستان*، فصلنامه ماهور، شماره ۲۸، تهران، ایران، ۱۳۸۴.
۹. مسعودیه، محمدتقی، *موسیقی بلوچستان*، سروش، تهران، ایران، ۱۳۶۴.
10. Preethi, Ms. s.sathiya, A STUDY TO EVALUATE THE EFFECTIVENESS OF AROMA THERAPY ON LEVEL OF DEPRESSION AMONG SENIOR CITIZENS IN SELECTED OLDAGE HOME, COIMBATORE, Sara Nursing College, India: 2012
11. <https://prezi.com/acsqge3bszmu/aromatherapy/>
12. <http://repository-tnmgrmu.ac.in/4364/1/3005112sathiyapreethis.pdf>